

ترجمه مهندس رحمت‌اله مقدم‌مرآغه‌ای

دو نامه

از گوینو به توکویل

کنت دو گوینو در سال ۱۸۱۶ متولد شد و در سال ۱۸۸۲ وفات یافت در ژوئیه ۱۸۵۵ بعنوان کاردار سفارت فرانسه به تهران وارد گردید کتاب ده سال در آسیا، که حاوی مشاهدات او در تهران میباشد از نظر شناسائی اوضاع و احوال ایران ارزش حوالدن دارد هنگامیکه آلکسی دو توکویل جامعه‌شناس و نویسنده معروف فرانسوی که اثر او تحت عنوان «دموکراسی در امریکا» جزو آثار کلاسیک قرار گرفته است وزارت خارجه فرانسه را بعهده گرفت گوینوی جوان را به عنوان ریاست دفتر خود انتخاب کرد و همان‌طور که همیشه معمول است بین رئیس دفتر و وزیر رابطه الفت باقی ماند. از عجایب آنکه گوینو از طرفداران تبعیض نژادی بود و توکویل طرفدار مساوات و دموکراسی. با این حال رشته‌ها باقی ماند و چنانکه در نامه‌های متبادله بین آنها مشاهده خواهد گردید اختلاف نظرها هرگز از میان نرفت، گوینو همیشه علاقه‌مند بود که ارتباط خود را با توکویل حفظ کند به همین جهت در مسافرت‌ها نوشتن نامه‌ها را ترك نمیگفت در اینجا ترجمه دو نامه گوینو به توکویل را ملاحظه می‌کنید که خالی از فایده نیست.

تهران هفتم ژوئیه ف ۱۸۵۵

آقا

این نامه را با عجله و اشتیاق مینویسم زیرا فقط چهار روز است که بمقصد رسیده‌ام با این حال چیزیکه در مشرق بی سابقه است اتفاق افتاد و انجام تشریفات بنفع ما زودتر انجام گرفت بقسمیکه در همین مدت کوتاه شاه و وزیر اعظم را ملاقات کردیم و هر دوی آنها بنحوی که بهتر از آن ممکن نبود ما را بگرمی پذیرفتند. درباره مسافرت باید بگویم که بچابکی و مانند کسانی

که حرفه آنها این نوع مسافرت‌هاست راه را طی کردیم خانم گوینو سوار بر اسب و دخترم روی يك الاغ جلوی يك عرب بیطار از کوهها و رودخانه‌هایی که جاده‌ای از آنها نمیگذشت با چابکی عبور کردند و مسافرت پنجاه روزه خودشان را پایان رسانیدند. دخترم دیان نه تنها خسته و بیمار نشد بلکه از زمانی که زندگانی زیر چادر ما آغاز شد دو برابر چاق و بزرگ شده است. دیان يك ترکمن درست و حسابی است منتها رنگ چهره حبشی‌ها را دارد.

طی مسافرت چیزهای شگفت‌آور و زیادی دیده‌ام که نمیتوانم همه را در اینجا بنویسم در جریان شش هفته اقامت در مصر ملاحظاتی داشتم که متأسفانه هیچیک از آنها متضمن افتخار اروپائیان در این کشور نیست. در هیچ جایی عدالتی و حرص و آز حیوانی باین وقاحت دیده نشده است. به این جهت است که توده مردم در اینجا ما را تحقیر میکنند و در عین حال از ما بیم دارند و از این جاست که در پاره‌ای موارد خوشبختانه تعادلی ایجاد گردیده است. درباره حفر کانال سوئز چیزها شنیده بودیم و در این سفر آنرا بچشم دیدیم. بعنوان يك فرد جاهل بشری من در این باره نظری ندارم اما بعنوان يك فرانسوی با آن مخالفم. زیرا با توسعه‌ای که این ترعه پیدا کرده و میکند بزعم مخالفت انگلیسها و ناوگان یونانی (منظورم ناوگان یونان و یونانی‌های ترك است) منافع حق العبور (البته اگر منافی باشد چون با وجود همه چیزهایی که گفته میشود هنوز برای من مسلم نیست) در آینده در اختیار ملتی قرار خواهد گرفت که بنظر من نمیشود قبول کرد که الزاما همیشه با ما نظر خوبی خواهند داشت. در عین حال بازرگانی بندر ماری زیان بسیار خواهد دید و بندر بردو بطور قطع دچار ورشکستگی خواهد شد. از بسیاری جهات در سوئز وجده و عدن و مسقط و بوشهر روزهایی خوش را گذرانندیم و حالا بعد از عبور تمام طول ایران در اینجا هستیم. تردیدی نیست که در مسیر خود خرابه‌های بسیاری دیدیم البته منظورم از خرابه‌ها، شهرها و قصباتی است که از نظر تاریخی جالب نیستند و صحاری بسیاری را دیدیم و روزهای متمادی بدون اینکه بغیر از خودمان انسان دیگری را دیده باشیم از آنها عبور کردیم. درباره روحیات مردم این سرزمین، شاهد

يك دشته عقايد ناهم آهنگ و نظرات متفاوتی بودیم ولی رویه گرفته از نظر روشهای عملی این ملت بیشتر از ترکها و عربها بماندند است و با همه خشکی که نسبت به هندیها دارند در تمام موارد انعطاف پذیر تر از آنها هستند. خلاصه آنکه این شیطانهای ناقلا پسر عموهای ما هستند و بگمان من میتوان در کمال صداقت بگویم : و این همان است که یکشنبه من خواهم بوده. در نامه های بعدی از روش سخت و خشونت آمیز انگلیسها در اینجا برای شما سخن خواهم گفت مقصود آنها از این اعمال برای من معلوم نیست، مگر آنکه بگویم آنها قصد تحریب روسها را دارند. در اینجا چیز دیگری نمیخواهم جز آنکه بشما بگویم که در این بطن آسیا مثل همیشه چقدر خود را بشما علاقمند میبینم خواهش میکنم به مادام تو کویل مراتب احترام و خاطراتی را که این خدمتگزار وفادار نسبت بشما و معظم له دارد تبلیغ فرمایند.

آ - گوینو

نمیدانم از خبر مرگ عمویم که ثروتی را برای من باقی گذاشته است که میتوانم مستقل زندگانی کنم اطلاع دارید یا خیر؟ یقین دارم که در این واقعه شما بامن شریک خواهید بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دماوند پنجم نوامبر ۱۸۵۵
دانشگاه جامع علوم انسانی

۲۴

من به این امید زندگی میکنم که هر چه زودتر اخباری از سلامتی شما و مادام تو کویل دریافت کنم و بدانم که اوضاع تا سرحد امکان بر وفق مراد است. اولین نامه ای که از تهران نوشتم محققاً دریافت داشته اید و شاید جواب آنرا نیز داده باشید من اشتیاق فراوان دارم که بدانم کار آثار شما به کجا رسیده است. با کمال و جامعیتی که برای اثر خود میخواهید امیدوارم فرصت بدست آمده باشد که کارهای مقدماتی را خاتمه داده و مستقیماً دست اندر کار تنظیم متن اصلی شده باشید مگر آنکه از نظر محتوی فکری تغییری بنظر شما رسیده باشد خواهش میکنم برای من بنویسید در چه مرحله ای است و کار به کجا رسیده است! این مسئله آنقدر مورد علاقه من است

که فاصله جغرافیائی در آن تأثیر نمیگذارد. من سه روز زندگانی خود را در تهران برای شما مینویسم ، گردشی در کوهستانهای مجاور کردیم قسمتی برای آشنائی با محل و تا حدودی هم برای فرار از وبا بود که در شهر کشتار فراوان کرده است و در سفارت دونفر از کارکنان اروپائی و یک نفر محلی را کشته است . با آمدن سرمانا خوشی تقریباً تمام شده است مادراینجا در میان برف هستیم و تا چند روز دیگر بشهر مراجعت خواهیم کرد .

نمیدانم مطالبی که نوشته ام مورد علاقه شما قرار گرفته است یا نه با وجود تردید از ادامه آن دست نمیکنم و ادامه میدهم. از نظر سیاست جاری و عملی اهمیت ایران حتی قابل مقایسه با یک کشور اروپائی درجه دوم نیست با این حال اگر بخواهیم چیزی را که موضوع سیاست فردانست ولی شاید پس فرا بحساب بیاید در نظر بگیریم اقامت در تهران بمنزله حضور در دیدگاهی است که از آنجا میتوان با یک دید وسیع موقعیت و منافع متقابل انگلیس و روس را مورد مطالعه قرارداد . ایران بنا بر گفته خود انگلیسها کلید هندوستان و اشتغالات عجیب و غریبی است که در این جهت دارند اشتغالات آنها چنان عجیب و غریب است که گاه بنظر اغراق آمیز میآید و بطور طبیعی توجه یک ناظر بی طرف را بخود جلب میکند که با آنها در مطالعه چیزی که در نظر آنها آنقدر مهم تلقی میشود شرکت نماید . نگرانیهای مردم انگلیس درباره هند و در مشرق زمین آشکار و بمقیده من باز هم تکرار میکنم فراوان است . از بیست سال به اینطرف انگلیسها به این نتیجه رسیده اند که کیفیت انحطاط مطلق که در مردم بومی این امپراطوری پنهان است که منبع اعتبار آن در اروپاست بوجود آورده اند آستن خطرات بسیار برای آینده است زیرا همواره این وضع محتوی یک عامل انقلابی خواهد بود بهمین جهت آنها روش خود را تغییر داده اند . انگلیسها بطور مصمم و با استقامت تمام در صدد جلب محبت اتباع هندی خود هستند و فعلاً نه سرگرم تأمین احتیاجات آنها شده اند به افکار آنها احترام میگذارند و در صدد تأمین رفاه آنان هستند و بگمان من تا حدودی توفیق یافته اند که صبر و تحمل مردم را در مقابل فاتحین فراهم کنند . در مورد دشمنی عساکر هندی انگلیس، اغراق گوئی بسیار شده است و اینکه ادعا میشود آنها فاقد حسن نیت و شجاعت

هستند صحیح است منتها در این اظهارات بظاهر توجه کرده اند. ولی آن چیزی که واقفیت دارد و مادام که امپراطوری هندوانگلیس بر پاست پایدار خواهد ماند ناسازگاری روحیات یک ملت شرقی با یک ملت اروپائی مخصوصاً انگلیسی ها است. در این باره هر گونه بیم و نگرانی جا دارد و همین مسأله است که روح و فکر همه ما مورین انگلیسی را در این کشور بخود مشغول داشته است زیرا کوچکترین حادثه ای ممکن است موجب عکس العمل و برانگیختن تعصبات توده ها حتی در ماوراء هندوستان گردد. آن چیزی که هیچکس درباره آن تردید ندارد و بنظر میرسد که خود هندیها هم درباره آن تردید نداشته باشند آنست که آنها بخودی خود نمیتوانند آزادی خود را تحصیل نمایند. با وجود تفرقه ای که گرفتار آن هستند با فقر و ضعف و نظارتی که بر آنها میشود مادام که اوضاع و احوال خارجی قدرت انگلستان را در شبه جزیره هندوستان متزلزل نسازد آنها در زیر یوغ اسارت انگلستان باقی خواهند ماند.

باین جهت است که آنها کاملاً مراقب هر نوع تحول خارجی هستند و در مقابل جامعه هندوانگلیس نیز بنوبه خیلی هوشیار و آگاهتر با پیش بینی بهتر و با توجه به اینکه خیلی چیزها را از دست خواهند داد مراقب هستند و همانطور که گفتم در این باره حتی غلو میکنند.

در میان تحولات خارجی پیش آمدی که احتمال آن بیشتر وجود دارد پیشروی روسیه بطرف هند است و این مسأله در رأس همه نگرانیها قرار دارد. نه اینکه من معتقد باشم که حکومت کلکته در اضطراب و نگرانی است که مبدا یک قشون اروپائی یکبار ظاهر گردیده و هندوستان را بطور منظم تصرف نماید با آنکه بسیاری از افراد چنین پیش آمدی را که بگمان من از نظر سیاسی امکان پذیر نیست از نظر نظامی قابل اجرا میدانند. مع هذا اگر کابینه پترزبورگ در اندیشه تصرف و فتح سرزمین هندم نباشد میتواند با اعزام یک نیروی سی تا چهل هزار نفری که دستجات ایرانی و افغانی و ازبکهای خیره نیز بدنبال آنها روان خواهد گردید سند و پنجاب را تصرف نموده و از آنجا به هر جای دیگری که طعمه ای سراغ کنند حمله نمایند بعقیده من صرفاً از نظر تخریب روسیه در موقعیتی قرار دارد که میتواند انگلستان را در دریائی از مشکلات غرق کند هر اندازه که نظر ما با خوش بینی توأم باشد تردیدی نیست که

انگلستان جز با از دست دادن تعداد بسیاری نفرات و تحمل هزینه‌های سنگین و از دست دادن نفوذ و تزلزل در موقعیت جهانی خود از این مهلکه بیرون نخواهد آمد .

توده‌های آسیائی که در بالا بدان اشاره کردم نظیر ایرانیان، ازبکها ، و افغانها قریباً است که عادت کرده اند هندوستان را غنی‌ترین طعمه بشناسند برای آنکه هر کدام از آنها در ادوار اقتدار کوتاه مدت خود به این کشور حمله برده و همیشه از آنجا با گنجینه‌های فراوان باز گردیده‌اند و خاطرهای باقیمانده در آنان انباشته تصوراتی است که صدها بار بزرگتر از واقعیت است. آنها گمان میکنند که هندوستان همان کشور زرخیز گذشته است ولی نمیدانند و اگر هم به آنها گفته شود باور نمیکنند که انگلیسها آنهمه ذخائری را که آنها در پشت گذارده بودند تمام کرده و باخر رسانیده‌اند . و بالعکس چون بر سبیل عادت انگلیسها را غنی‌ترین مردم - جهان میشناسند با مشاهده ثروتی که صاحبان فعلی هندوستان از آنجا بدست میآورند ثروت هند در نظرشان بیشتر جلوه میکند. و باین امید همیشگی زندگانی میکنند که روزی بتوانند دست بروی طلاها و نقره‌ها و جواهراتی که بگمان آنها در هند وجود دارد بگذارند . این مردمان هر قدر روز بروز در غرقاب فقر و بدبختی بیشتر فرو میروند بیشتر برای دست انداختن بروی هندوستان از خود عجله نشان میدهند . ایران که بسبب جنگهای قرن اخیر که منجر به تاخت نشستن سلسله کنونی گردید دستخوش خرابیهای بسیار شده است یا دستگاه اداری شاه و وزیرش که حتی برای يك کشور آسیائی دنیای کنونی غیر قابل قبول است بیشتر از همه علاقمند به اجرای مقصودی است که ذکر شد. ایلات مسلح که از گرسنگی نزدیک بمرگ هستند و روسای آنها قادر به نگاهداری افراد خود نیستند در اندیشه جنگ هستند تا بتوانند بوسیله آن زندگانی خود را تأمین نمایند . بعلاوه بدون هیچگونه تردیدی میتوان گفت که انگلیسها مورد تنفر مردم ایران هستند. رسوائی انگلیسها عمومی است و از آنجا که ایرانیان گمان میکنند تنها کاری که از انگلیسها ساخته است انهدام بندر بوشهر و خلیج فارس است اینطور نتیجه میگیرند که بسبب جنگی (منظور جنگهای کریمه است که طی آن فرانسه و انگلیس برضد روسیه جنگ میکردند . م) که

در جریان است انگلیسها نیروهای کمی در اختیار دارند خیالبافی میکنند که در صورت عدم موفقیت در جنگ بر علیه هند در مقابل توهینی که به آنها شده است انگلیسها نخواهند توانست انتقام سختی بگیرند. خلاصه آنکه قبایل مسلح ورؤسای آنها بر این عقیده استوار هستند که عاقبت باید روزی به جانب هندوستان سرازیر شوند .

افغانها بیشتر از ایرانیها در این نظر اصرار دارند . اول آنکه اگر نجات از فقر انگیزه حمله به هند باشد، از ایرانیها فقیرترند . دیگر آنکه آنها از ایرانیها سلحشورترند و وحشتی از اقدام ندارند. زیرا میدانند که در آخرین مرحله میتوانند در کوهها مأمنی برای خود بدست آورند .

به آنچه گفته شد مطلب دیگری هم اضافه میشود بدین معنی که بطور کلی در مشرق مردم عادت ندارند راجع بنتایج نهائی اقدامی که بنظر آنها مطلوب میرسد مطالعه دقیق بکنند. تمام این مطالب درباره مردم خیوه و بخارا و ترکستان نیز صدق میکند . در حال حاضر يك هیئت سیاسی افغانی در تهران است که با ما و انگلیسها هیچگونه ارتباطی ندارد. ولی اینکه با روسها در ارتباط نباشند مطلبی است که احتمال آن کمتر است. اما مقصود آنها راهمه میدانند این هیئت آمده است که هرات و قندهار را در تحت سرپرستی ایران قرار دهد بشرط آنکه مشترکاً هزینه اردو کشی به کابل را برای برانداختن دوست محمد خان سالخورده که سابقاً دشمن انگلستان بود ولی امروز مخلوق فدائی انگلستان است تقبل نمایند. صحبت است که اگر در این مقصود توفیق حاصل نمایند، تصمیم بزرگ خود را دائر به اردو کشی به هندوستان اجرا خواهند نمود. با همه حسن قبولی که در باره اجرای این سیاست وجود دارد برای اجرای آن دو مانع اساسی در سر راه قرار گرفته است. اول آنکه سقوط سیاستوپل در باره موقعیت کنونی روسیه برای امکان حمایت از این اقدام تردیدهائی بوجود آورده است. پیروزی در جنگ سیاستوپل در اینجا بسیار تأثیر کرده است و با همه ادب و نزاکت فوق العاده وزرای ایران کاملاً مشهود است که از این پیروزی در باطن راضی نیستند . البته برای سیاستمداران ایرانی چیزی مطلوب تر از مشاهده جنگ دو کشور اروپائی نیست ولی اگر صحبت

بر این باشد که الزاماً جنگ به شکست یکی از دو متخاصم تمام میشود
جائی برای بحث باقی نیست که در نظر آنها شکست انگلیسها
ترجیح دارد. در وضعی که این جریانات ایجاد کرده است تخیلات
مشاورین شاه که همیشه بارور است بجانب نظریه جدیدی معطوف
گردیده و چون مقصود از جنگ که مورد علاقه همگان است جز غارت و
ینما چیز دیگری نیست حالا این نظر پیش آمده است که چون
تجاوز به هند امکان پذیر نیست آیا جبرای آن بهتر نیست به ایالات
قفقاز حمله کنند و از اینهم قدم فراتر گذاشته اند و ادعائی را اشاعه
داده اند که کاملاً جنبه سیاسی دارد ولی من از آن بیم دارم که در نظر
شما اغراق آمیز جلوه کند. بدین معنی که ادعا میکنند که اگر با
دستجات نظامی شاه بقوای انگلیس و فرانسه ملحق شوند و با آنها
مشترکاً داخل در عمل شوند در کنگره آینده در ردیف خانواده
کشورهای متمدن قرار خواهند گرفت و سرزمین آنها در مقابل
حملات آینده روسیه و هر قدرت دیگری از طرف متحدین تضمین
خواهد گردید.

انجام این نظرات بطور کلی غیر ممکن بنظر میرسد ولی
نتیجه ای که از آن میتوان گرفت آنست که ایران دیر یا زود خود را
بدامان روسها خواهد داد و تنها مسأله بر سر تاریخ آن است.
حال به مشکل دومی که در راه انجام این نظرات قرار دارد
میپردازیم شاه برای انجام اردو کشی در ترید است زیرا چه در عملیات
پیروز شود و چه ناکام بماند در هر حال امیدی به بازگشت به پایتخت
ندارد. زیرا چه شخص او و چه سلسله اش بهیچوجه مورد علاقه مردم
نیستند. جنوب تقریباً هیچگاه از او اطاعت نکرده است. نه تنها
در بار بدون خطرات مرگ دائمی قادر به استقرار در اصفهان نیست
حتی شاه بدون توپ و توپخانه قادر به عبور از آنجا نخواهند بود
هنگه هائی که در این نواحی که از نظر وسعت بزرگترین مناطق
کشور را تشکیل میدهند تربیت یافته اند حتی الامکان در نقاط دور دست
نگاهداری میشوند و از وجود آنها فقط زمانی استفاده میکنند که
راه دیگری وجود نداشته باشد. البته از زمانیکه سلسله قاجار
بتخت نشسته است تقریباً همیشه وضع بر همین منوال بوده است.
ولی چیزی که تازگی دارد آنست که هنگهای شمالی هم بیشتر -
دستجات جنوب مورد اعتماد نیستند. زیرا ایلی که خانواده سلطنتی

از آن بیرون آمده است خیلی آشکار همانطور که معمول است و در این سرزمین نظرات سیاسی را همه آشکار میگویند مخالفت خود را با اوضاع و احوال جاری اعلام داشته است و نسبت بخانواده سلطنتی که از زیر خیمه‌های همین ایل بیرون آمده است اظهار تنفر و انزجار مینماید و سرانجام آنکه در غرب و شمال که از ثروتمندترین و حاصلخیزترین مناطق ایران هستند فرقه جدیدی که بیشتر از آنکه مذهبی باشد سیاسی است دست اندر کار است این فرقه بنام بابیها معروف است و اعضای این فرقه از نظر طرز فکر و روش ، کمونیست واقعی هستند [۱] و شاه از آنها بسیار بیمناک است زیرا چهار سال پیش همین فرقه علیه شاه توطئه‌ای تشکیل داد که بمجروح شدن او انجامید و نجات شاه از آن مهلکه معجزه‌ای بود . فعلا اوضاع و احوال در انتظار ظهور یکی از آن ماجراجوهای است که در مشرق زمین وجود آنها نایاب نیست تا سلطنت سلسله قاجار یکباره در معرض خطر قرار گیرد و این مسأله یکی از علل بیحرکتی و سکونی است که بخودی خود نیز ایجاد خطر خواهد نمود .

با این حال همانطور که ملاحظه میفرمائید این اوضاع يك مرحله عبوری است چیزی که این خانواده ضعیف و فرسوده جسارت انجام آنرا ندارد در آینده برای يك مدعی حکومت دست آویز و وعده مناسبی خواهد بود و دلیلی ندارد که تصمیم به چنین اقدامی گرفته نشود .

باز تکرار میکنم که انگلیسها کاملاً متوجه هستند که چه مخاطراتی در انتظار آنهاست در چاره جوئی‌های مستمری که برای رفع این مشکلات میکنند تا آنجا کشیده میشوند که دوباره سیاست غم‌انگیز سال ۱۸۳۸ را احیاء کرده این فکر ایجاد گردد که اجزاء مختلف افغانستان را بهم ترکیت کرده و يك کشور مستقل تحت نظارت خود تشکیل دهند . در آن ایام نقشه انگلیسها آن بود که يك حائل دیگر میان روسیه و هندوستان ایجاد نمایند . بخاطر دارید که کوشش آنها بکجا انجام یافت و فاجعه کاملاً در نظر شما هست به این جهت من کاملاً تردید دارم که در لندن و هندوستان بازگشت به اینگونه اقدامات نافرجام را متفکرین جدی بپذیرند .

اما از آنجا که لازمست خود را بکاری مشغول دارند یکی از مأمورین انگلیسی که از هر جهت متشخص است سیستم جدیدی

پیشنهاد کرده است و همه بر این عقیده هستند که نظرات کلنل راولینسون در لندن بسیار مورد استقبال قرار گرفته و موضوع مطالعات عمیق قرار گرفته است .

کلنل راولینسون پیشنهاد کرده است که يك کشور مستقل مسیحی مذهب در قفقاز تشکیل گردد عبور و مرور در دریای خزر آزاد گردیده و کشتی‌های انگلیس با پرچم انگلیس رفت و آمد داشته و يك ناوگان كوچك انگلیسی در دریای خزر تشکیل گردد. سفارت انگلستان در تهران ذوق و علاقه‌ای در مورد این فکر بدیع از خود نشان میدهد که خود دلیلی است بر بیم و نگرانیهای دائمی آنها

اگر اجازه داده شود که من نه در باره پیشنهاد کلنل راولینسون بلکه در باره آن چیزی که بمنوان طرح راولینسون بما ارائه شده است اظهار نظر کنم بایستی بگویم که من از اینگونه - امیدواریها در باره آن ندارم. يك کشور مسیحی مذهب از شرق و غرب در معرض فشار مردم مسلمان خواهد بود و بدتر از آن گرفتار چپاول و غارت‌هایی خواهد بود که روسیه نتوانست بطور کامل آنرا ریشه کن نماید . از طرف دیگر این کشور مدام در معرض تهدید از جانب ایران قرار خواهد بود . چنین کشوری هرگز نمیتواند يك نیروی دریائی نگاهداری کند زیرا کالا و مال التجاره کافی برای تغذیه ناوگان تجارتي وجود ندارد. از يك طرف تعرفه‌های گمرکی از هشرخان راه اورا سد خواهد کرد و از طرف دیگر صحاری ترکمنستان مانعی خواهد بود. بدین ترتیب برای محافظت از کشور جدید التاسیس مسیحی ناگزیر بایستی قوای انگلیسی همیشه در آنجا باقی بمانند. اما باید در نظر داشت که يك قشون صد و پنجاه هزار نفری هنوز بعد از بیست سال نتوانسته است آرامش ایالات قفقاز را اعاده کند. آیا انگلیسها در موقعیتی هستند که بتوانند چنین نیروئی را در آنجا نگاهدارند ؟ و اگر دست به چنین اقدامی زدند مشکلات آنها نسبت به مشکلاتی که روسها با شامیل و دستجات کوهستانی او و با چرکسها و ساکنین این منطقه داشته مضاعف خواهد بود. اگر طرح کلنل راولینسون همان چیزی باشد که بما میگویند و بگمان من هم اگر اختلافی باشد فقط در جزئیات مسأله خواهد بود شما هم در این نظر همراه خواهید بود که در معرض انتقادات سخت قرار خواهند گرفت. من نتیجه‌ای که از جریات میگیرم همان سخنان کاملا بجای شماست که یکروز صبح وقتی در

بولوار کاپوسن بودیم گفتید بدین مضمون که «امپراطور روسیه روزی
 امپرار مطلق خواهد بود، سخن را کوتاه میکنم اگر در هنگام
 عقد قرارداد صلح کابینه پترزبورگ بعنوانی ادعا کند که باید
 گذشتها و زیانهای را که در دریای سیاه داشته است با پیشروی
 در ایران جبران نماید در اینصورت دو استان حاصلخیز ایران
 یعنی گیلان و مازندران را در اختیار خواهد داشت و آنوقت است
 که ایران بجانپ شرقی خواهد آورد. اینجا همه در فکر احیای
 دوران نادر شاه و تیمور هستند و در این فکر هستند که از امروز فردا
 یکبارہ ثروتمند شوند. در اینجا کار مثبت کمتر مورد توجه است.
 در اینجا من زیاد کار میکنم و مخصوصا برای تکمیل زبان
 تلاش میکنم و فارسی را بروانی صحبت میکنم من خیلی بصحبت
 کردن با مردم بومی علاقمندم من درباره آنها آن نظراتی را که
 معمول اروپاست ندارم اینها همه از فرشتهها و مردمان شرافتمند
 نیستند. ولی آن غولهایی که بما معرفی کرده اند نیز نیستند. اگر
 این موضوع مورد علاقه شما باشد در نامه های بعدی در این باره برای
 شما خواهم نوشت. گمان میکنم دو جلد اخیر آثار مرا دریافت کرده اید
 صحبت بر آنست که من بیم دارم مبادا مورد پسند شما نباشد خواهش
 میکنم نظر خودتان را برای من بنویسید. اظهار نظر بدون مساعد
 شما برای من بهتر از بی اعتنائی شماست.
 خواهش میکنم علاقه ای را که در مورد اکادمی داشتم از نظر
 دور نکنید من گمان میکنم عناوین من دیگر آنقدر هست که مقام
 مورد تقاضا را در اکادمی بدست بیاورم. نمیدانم آیا شما هم همین
 نظر را دارید؟ از پاریس اخبار مسرت بخش برای من نوشته اند
 که با این احوال تقاضای من بيمورد بنظر نمیرسد.
 خدا حافظ. خانم گوینو خاطرات خانم توکوویل و شما را
 یاد آورست. خواهشمندم احترامات و علاقمندی مرا که میدانید
 هرگز نقصان نمی یابد بپذیرید.

گنت آ. دو گوینو

م که عموی من فوت کرده
 ، باقی گذارده است محققا
 اید بطوریکه بمن اطلاع
 خواهد شد .

تصور میکنم برای شما
 و ثروت قابل ملاحظه ای برای
 شما ترجمه آمریکائی اثر مرا
 رسیده است در ماه اوت در